

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human rights	حقوق بشر
--------------	----------

ناتور رحمانی
۲۱ فبروری ۲۰۱۳

از لاله ها ، ستاره ها

از زخم ها ، شراره ها

۴

وقتی عرصه برای آنهایی که درس آزادی
و آزاد زیستن را آموخته بودند
تنگ شد
در برابر کنش های غرور شکن و عزت سوز
باشیپور شهامت
در برابر روسها و مزدوران
دادند اعلان جنگ
جنگی بدون سر نیزه و تفنگ
اعتصاب غذا !
این واکنش بی همتا ، در درون سلول ها
کرد هنگامه برپا
اعتصاب سرتاسری بلاک های ۱ و ۲
و غریب به حق زندانیان
در جوازای شصت و یک
با تحرک و کار و پیکار طیف چپ انقلابی
و در پیشاپیش "ساوو" ی تسلیم ناپذیر (۲)
این راهروان راه پرشور (م . ل . ا .)
افتاد به راه
می دانم تو به یاد داری رفیق !

او به یاد دارد
همه به یاد دارند
که بر زنده به گوران زندان بیداد
چه ها گذشت !

یادت است ؟
وقتی دژخیم زبون درگیر استحاله شد
برای شکستن اعتصاب زندانی ها
دست به شگرد های زبوانه زد
حلقه بست به دور حصار زندان
توپ و تانک ارتش اشغالگر
قوای ضربه ضد اعتصاب
خادیسست های تفنگدار
جاسوس های درون پنجره ها
"باشی" ها و "ده باشی" ها
با خشونت و ددمنشی
دهلیزها ، در و دیوار و زینه های بلاک ها را
با خون زخمی ترین عقاب ها
رنگین کردند

استعمارگر آن دوران ،
که با غرش شعار های " زنده باد افغانستان ! "
و "مرگ بر کارمل !"
" مرگ بر خلق و پرچم ! "
" مرگ بر وطنفرشان ! "
کوه غرور میان خالی اش فرو غلتیده بود
به صحنه سازی های خنده برانگیز ، از نوع دیگری
دست یازید

همزنجیر های هم پیمان را
از یکدیگر سوا کردند
افزون بر هزار ، خود را مفتضح و رسوا کردند
در آن هنگام کسی از کسی خبر نداشت
به یقین می دانستیم
عده ای در اتاق های تاریک و نوساز
بلاک های ۳ و ۵ و ۶
یا در کشتارگاه های صدارت و...
شکم های گرسنه و لب های بسته شان را

به میله های زنگار گرفته زندان می ساینند

عده دیگری را می دیدیم که برای تیرباران

مقابل تفنگداران خاد ، استاده کرده اند

این رجزخوانی ها و ایجاد فضای رعب و وحشت

به هیچ گاه نمی توانست

دل جانبازان از جان گذشته را بلرزاند

فرزندان غیور میهن خواه

از آن همه تپ تپ پا

از آن صحنه سازی های مذبوحانه

نمی ترسیدند ...

آنگاه که فرزانه فرزندان میهن

با لب های قفل شده

به اعتصاب نشستہ بودند

پیروان آئین بی شرمی ، معاندان

نولانه سازان کارگاه زندان

این گله سست عناصر بی ایمان

تسلیم طلبان

دهان را با حلوای پخته در مطبخ زندان

شیرین می کردند

و با کرشمه های روسپیانه

خوش خوش می خرامیدند

ما می دانستیم

تولید فضای وحشت و ترس در زندان

برای زندانی که با خون خود بسته پیمان

لاشخور پیر " کارملوف " را (۳)

که کعبه اش کرملین و خدایش پرژنیف بود

و جلاد خاد " گاو وحشی " را (۴)

که در جنایت و خیانت به میهن

و درکشتارهای دسته جمعی انسان های آزادیخواه

همتاهانش در جهان اندک است .

ارضاء می کند

زیرا شکستن اعتصاب زندانی ها

با خشونت و خون

می توانست دستاوردی باشد

برای پیشکش به مشاورین روس

ارباب های شان

و با این بهانه

طعم آن همه خیانت و جنایت را

در عروق مردار شان جاری می ساختند.

بلی ، رفیق !

کسی در آن کارزار نترسید

این آنها بودند که سخت می ترسیدند

و از شهادت دلیر مردان به خود می لرزیدند

آنها بودند که بسیار مذبحخانه

تلاش داشتند به هروسیله ممکنه

اعتصاب را بشکنند !!

اعتصاب به بهای ضرب و شتم

شکستن دست و پای زندانیان

قتل چندین تن شان

و به قیمت افزودی میعاد حبس چند مبارز

چی های شعله نشان

وقتی شکسته شد که اندک تقاضا های انسانی

آنچه را حق داشت سیاسی های زندانی

بناچار پذیرفتند

این گرانی خون قرمز چپ انقلابی بود

که به اعتصاب بها داد

و زمینه نسبی تنفس آزاد را

در آن (مثلث) های تنگ

که آسمان سه گوشه اش را

با خون کرده بودند رنگ

برای زندانیان تداعی نمود .

دشمنان آتش به جان

برای زندانیان

با طرح یک جدول

برنامه ساختند .

ساعات رفتن به تشناب ، تفریح

دیدار با عزیزان پایواز ، یک بار در ماه

به دست آوردن تقریباً کامل آنچه می فرستادند

عزیزان ما .

با این تصویری که مویک دیداری من
برکشیدست

نمی‌تواند عظمت فاجعه
میزان کشتار وطنپرستان
و حد و ابعاد جنایات وطنفروشان " خلقی - پرجمی - خادی " را
در آن دوران برساند !!

مگر ، اندیشه چنین است :
خارج از قافیه و ردیف سخن راست گفتن
بهتر است ، از سنگواره هائی که
در تابوت سکوت به چله نشسته اند

به هر شکل ، هرچه تصویر گردید
یک خط سیاهی است
از آن سیاهترین روزگار
از آن فجایع بیشمار
آنچه آن خادیت ها کردند
آن جانی ها ، آن خود فروخته ها کردند ...
ما می دانستیم
که زوال لاشخورها
آن مردار خوارهای مفلوک
به زودی فرا می رسد
و مدفون زباله دان تاریخ می گردند
و دیدی ، چنین شد رفیق
اما ...

اما یاران سفر کرده
آن زنده نام های اسطوره ساز
آن رفیق های همزنجیر
که رنگ سرخ خون شان
خط قرمز کتیبه مبارزه برای آزادی
حرمت جنبش چپ انقلابی افغانستان
و رهروان (م.ل.ا.) گردید
سوگمدانه نبودند
تا به تحقق پیوستن آرمان شان را ببینند !
زنده یاد قهرمانان سرزمین بیگانه سوز !

نوید تان باد
فرزندان صدیق وطن !
آنهائی که درس میهن پرستی
جانشاری و آزادیخواهی را
از شما ها
ای همیشه جاودانه ها
آموخته اند
این اشغالگر جهانخوار را
با چاکران رنگارنگشان
به سان آن دو متجاوز دیگر
با چنان شکست مفتضحانه
و ادار به هزیمت خواهند نمود
تا دیگر استعمار جهانی را
خیال تجاوز به خاک افغانها نباشد .
ادامه دارد